۱۱۰

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

در این سال جدید ما جشن‌ها و عیدهایی داشتیم و ان‌شاءالله همیشه زندگی‌تان با جشن و عید باشد و این تصوّر را بکنید که خداوند گفته است:

هر چه از دوست می‌رسد خوب است گر همه سنگ و گر همه چوب است

همه چیز همیشه خوب است بنابراین در حال نشاط باشید. از وقایعی که خداوند فراهم کرده، راضی باشید، ان‌شاءالله تا خداوند موجب آسایش شما را فراهم کند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، عصر جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱ مطابق با سوّم شعبان ۱۴۳۶)

*****

در مسیر سلوک، هر درویشی حالات و چیزهایی می‌بیند که خودش می‌فهمد ولی نمی‌تواند بیان کند و نمی‌خواهد هم بیان کند. یک زبان دیگری است. البتّه بعضی‌ها را خداوند یک استعداد اضافی داده که آن استعداد به آنها امکان می‌دهد که یک مقداری از آن را بیان کنند و به‌هیچ‌وجه این بیان کردنِ حالاتی که سالک در طیّ سفر خودش می‌بیند، دلیل تکامل و کمالش نیست بلکه اگر خداوند بخواهد در یک لحظه همه‌ی این استعدادها می‌آید.

زندگی خود رسول ما صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مسیر مختلف از همین قبیل است. حضرت تا نزدیک چهل‌سالگی هیچ بیانی نداشت. یک شخصیتِ عادی بود که فقط ابوطالب می‌شناخت که این شخص بزرگوار است. بعد خداوند خودش به او فرمود: تو که نه یک خطی نوشته بودی، نه یک شعری خوانده بودی و یک‌مرتبه چنین شدی، این موهبتی است که خدا به تو جداگانه داد. بطوری که کتاب قطور یعنی قرآن که هیچ چیزش هم اضافه و زاید نیست را گفتی.

بعداً در بین سایر سلّاک هم نظایری و مثال‌هایی از این بود. در مورد شمس تبریزی می‌گویند: یک‌بار استادش به شاگردانش گفت: حالات خودتان را بنویسید، بگویید. از همه پرسید، یکی‌یکی گفتند، شمس هیچی نگفت. استاد پرسید تو هیچ سیری نداشتی؟ گفت: خیلی داشتم ولی زبانی ندارم بگویم، بلد نیستم بگویم و از این جهت متأسّفم. استاد به او گفت متأسّف نباش. در عوض خداوند شاگردی را به تو خواهد داد یا تو را مأمورِ تربیتِ کسی خواهد نمود که ذهنِ تمام عرفا را به خودش جلب کند و این شمس وقتی آمد، مولوی را به‌اصطلاح قاپید. شکار معنوی کرد و تحت نظر خودش بود.

چند نفر عارفی که در درجه‌ی اوّل همه، آنها را می‌شناسند: حافظ، سعدی، مولوی، نظامی،

عرفای دیگری بودند، شعرایی هم بودند، هرکدام حالات مختلفی داشتند ولی شمس تبریزی شاگردی که پروراند، مولوی و این همه چیز بود، تمام حالات سلوک را گذراند و در هر مرحله‌ای گفت، حتّی مثلاً در طیّ سلوک، این حالت برایش پیش آمد، این شعر را گفت:

صد هزاران بار بُبریدم امید از که؟ از شمس. این ز من باور کنید

حتّی چنین حالاتی هم که برایش رخ داده بود، گفت. به‌این‌جهت است که *دیوان شمس* یا به‌خصوص *مثنوی* از حالات مختلف داستان‌ها ذکر کرده است.

به‌هرجهت، ما این را نمی‌توانیم فقط دلیلِ این بگیریم که مثلاً مقام فلان‌کس بالاتر است و اصلاً تشخیصِ مقام، به‌عهده‌ی ما نیست و خداوند مقرّر نکرده است که ما تشخیص مقامات را بدهیم. ان‌شاءالله خداوند سلوک ما را با لطف خودش انجام بدهد، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲، جلسه برادران ایمانی)

*****

مثل اینکه خداوند ان‌شاءالله یک قدری از این دعاهای ما را پسند کرده، کمی قبول کرده است. راهی که می‌رویم آسفالته نیست، آسفالته بود خرابش کردند یعنی سنگلاخ زیاد داشت حالا این سنگلاخ‌ها را کم‌کم ور چیدند و بهتر شده ولی از این بهتر شدن‌ها، نه باید مغرور بشویم و بگوییم این ما هستیم که چنین شد و نه فراموش‌کار بشویم که شکر خدا را یادمان برود. هر نفسی که می‌کشیم خداوند یک جانِ جدید به ما می‌دهد. جان، ادامه‌ی حیات از همین نفس‌کشیدن‌ها است به‌قول سعدی کسانی هستند که اینها تمام مراحل سلوک را خوب پیمودند، می‌گوید:

«هر نفسی که فرو می‌رود مُمدِّ حیات (امتداد دهنده‌ی حیات) است و چون برمی‌آید مفرّح ذات.» وقتی نفس درمی‌آید این سمومی که در اثر تنفّس ایجاد شده، آنها را بیرون می‌دهد. چون فرو می‌رود ممدِّ حیات است. «پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.»

از دست و زبان که برآید کز عهده‌ی شکرش به درآید

حالا منظور، الان زندگی اجتماعی هم همینطور شده است. بعضی گشایش‌هایی فراهم شده که در ضمنِ همان گشایش، سختی و عسرت هم گذاشته‌اند که ما شاید متوجّه نباشیم ولی این را بدانیم که شکر نعمت واجب است. آن نعمت‌ها، سختی‌هایی هم که در مسیر هست آنها را هم خداوند فراهم کرده است البتّه غالبِ آنها از دست و زبان خودِ ما برمی‌آید یعنی خودمان فراهم کردیم.

چون نیک نظر کرد پر خویش در آن دید گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست

ان‌شاءالله خداوند به ما، هم توفیق شکر نعمت بدهد و هم درک و فهمِ سختی‌ها و منشأ آنها یعنی اراده‌ی الهی را درک کنیم، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲، جلسه خواهران ایمانی)

*****

ما می‌گوییم ولایت علی به ما رسیده (به ارث معنوی)، این سختی‌ها و مشکلاتی که در آن زمان مسلمین داشتند هم می‌رسد ولی شکر خدا را که خدا خودش می‌داند ماها ضعیف هستیم، به ما اینطور چیزها را نداده، یک‌خرده آسان‌تر کرده. از اداره ما را بیرون می‌کنند، نمی‌دانم، از این چیزهایی که می‌بینید ولی آن زجرهایی که به آنها دادند، به ما ندادند. خفیف‌ترین زجری که به ما دادند، یک زنی می‌گوید: شوهرم مخالف درویشی است، من نمی‌دانم چه‌کار کنم؟ کاری نباید بکنی، در دلت درویشی کن، احکام درویشی که نماز و روزه و همان احکام اسلامی است، خیلی دقیق انجام بده اگر شوهرت هم انجام نمی‌دهد، به او هم بتوپ، تو به او بتوپ، بگو تو چه مسلمانی هستی که نمازت را انجام نمی‌دهی؟! تو چه مسلمانی هستی که روزه‌ات را نمی‌گیری؟! چه مسلمانی هستی که به زن و بچّه‌ات ترّحم نمی‌کنی و...؟

خداوند به‌اندازه‌ی وسع و استطاعت‌مان به ما زجر داده. مثل آنکه مقدار زجری که داده، آنوقت‌ها عدّه کم بودند، سهم هر کدام زیاد بود. حالا عدّه ماشاءالله زیادند و هر روز هم زیادتر خواهند شد و می‌شوند ان‌شاءالله، زجرشان کمتر است.

البتّه بشر روی ترقّی و تکاملی که در افکارش پیدا می‌شود، به‌تدریج همه‌ی بشر یک تفاوت‌های اخلاقی، دینی پیدا می‌کنند. در بشرِ امروز دیگر دیده نشده که نسبت به مخالفِ عقیده‌اش این خشونت را داشته باشد. خداوند اینکه وعده کرده که در آخرالزمان، همه یکی می‌شوند یعنی این مقدّماتش را دارد خودِ خداوند فراهم می‌کند یعنی اینقدر درک و فهم و رحم و شفقت‌شان، همه زیاد می‌شود که نسبت به یک بنده‌ی خدا اینطور نمی‌کنند یا اگر بگوییم رحم و شفقت‌شان زیاد نمی‌شود، نه! رحم و شفقت‌شان عمومی می‌شود، منتها چیزی پیش می‌آید که بی‌رحمی و شقاوت همه جا جمع می‌شود، یک‌مرتبه بمبی می‌سازد که چند میلیون نفر کشته بشوند. به‌جای اینکه آن روز شکنجه می‌کردند و ده نفر را می‌کشتند. حتّی به نظر من همانطوری که در آنوقت‌ها دخالتِ در قتل بزرگان گناه تلقّی می‌شد، حالا هم شاید اینهایی که صریحاً در این امر دخالت می‌کنند، گناهکار باشند. کمااینکه آن خلبانی که بمب اتمی را روی هیروشیما در جنگ دوّم ریخت خودش از غصّه مریض شد، دیوانه شد. حالا نمی‌دانم دیگر بعدش را یادم نیست، نخواندم چه شد؟ شما بنابراین، این زجرهای کوچک را تحمّل کنید. بلکه می‌گوید: شُکراً لله که من را لایق اینقدر گوشمال اقلّاً دانسته. واجباتش را انجام بدهیم ولی مستحبّاتی که جنبه‌ی واجب هم دارد، هر چه توانستید انجام بدهید، نتوانستید نه! هیچکدام از اینها حکم شرعی را لغو نمی‌کند برای اینکه زن باید وقتی که جایی می‌رود، با اطلاع و با اجازه‌ی شوهرش باشد. این هم مصلحتی دارد، برای حفظ خانواده، این لازم است. به‌هرجهت، شما بگویید من فلان‌جا می‌روم. بگویید و بروید. دیگر اگر گفت: نه، دیگر نروید. نه اینکه «نه» در آن موقع برای شما به منظور امر است، سعی کنید که در محیط خانواده تا می‌توانید از طرفِ شما کوتاه بیایید. کوتاه بیایید که محیط خانواده متشنّج نشود، داد و بیداد نکنید. بعد به‌تدریج همانطور که مسلمین

یک روزی از آن شکنجه‌ها راحت شدند ولی شیعه‌ها گرفتار شدند، یک روزی هم شیعه‌ها راحت شدند از آن، ما هم ان‌شاءالله راحت می‌شویم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳)

*****

من از بی‌نوایی نیم روی زرد غم بینوایان رخم زرد کرد

گاهی اینقدر آلامِ زندگی در انسان زیاد می‌شود که به‌خصوص باید فکر کند این آلام از کجا آمده؟ اگر از خودش آمده باشد، باید آن مَثَل «خودم کردم که لعنت بر خودم باد» را بخواند و دیگر نکند. وقتی که آلامی که یک قصورِ آدم، یا یک تقصیرِ آدم، یا یک ضعفِ آدم را نشان می‌دهد جلوه کند، خیلی اثر می‌کند. وظیفه‌ی من، وظیفه‌ای که خداوند مقدّر کرده و سهم من این است که همیشه منتظر اخبار خوب باشم، اخباری که حاکی از مودّت فقرا، دوستی فقرا با هم است، بشنوم که البتّه در این مدّت الحمدلله بطورکلّی فقرا این را نشان دادند، الحمدلله.

ولی آنجا که با من است و مسئول مستقیمش من هستم، آنجا می‌بینم که خیلی شاید قصورِ من بوده یا هر چه هست هر گونه ناراحتی و گرفتاری معنوی که از فقرا ببینم و بشنوم، به‌خصوص در مسائل خیلی طبیعی و بدیهی است.

ان‌شاءالله خداوند خودش آن گفته‌ی ما را که باز هم نقل‌قول خودش است، بشنود که می‌گوییم: اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (سوره فاتحه، آیه ۶)، بفرماید: لبیک، صراط مستقیم را نشانت می‌دهم ولی این صراط ان‌شاءالله به سوی بهشت باشد و نه شعبه‌ای از آن به سوی جهنّم باشد. سعی کنیم در جهنّم نباشیم، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، عصر جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱، جلسه خواهران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.
جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه تلگرام بپیوندید.